



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

چالش‌های مقابله با جرائم اقتصادی و راهکارها

مهدی شعبانی^۱، حسن حاجی تبار^{۲*}، مهدی اسماعیلی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد آیت‌الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جرائم اقتصادی یکی از موضوعات مهم و مبتلا به جامعه کنونی ایران است که آثار مخرب اقتصادی و اجتماعی متعددی به دنبال دارد. علی‌رغم وجود قوانین مختلف و تلاش‌های متعدد، مبارزه و مقابله با این نوع از جرائم، آن گونه که باید نتیجه‌بخش نبوده است. مقاله حاضر درصدد بررسی همین موضوع مهم است که چالش‌های مقابله با جرائم اقتصادی و راهکارهای قابل طرح در این زمینه چیست.

مواد و روش‌ها: مقاله توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: تعریف نامشخص و ماهیت پیچیده جرائم اقتصادی، دشواری کشف جرائم اقتصادی، تعدد مراجع قانون‌گذاری، تعدد مراجع رسیدگی‌کننده به جرائم اقتصادی، بهره‌گیری مجرمین اقتصادی از تکنیک‌های خنثی‌سازی، ارتکاب جرائم اقتصادی از سوی اشخاص حقوقی، ابهام در قانون‌گذاری و عدم بازدارندگی مجازات جزای نقدی مهم‌ترین چالش‌های مقابله با جرائم اقتصادی است.

نتیجه‌گیری: اصلاح قوانین، نظارت سازمانی بر فعالیت‌های مالی، پیشگیری از طریق اصلاح قوانین ناکارآمد و مبهم، و همچنین پیشگیری وضعی شامل رفع تعارض منافع، نظارت بر نظام بانکی، کاهش نقش دولت در حوزه تصدی‌گری و همچنین پیشگیری اجتماعی شامل آموزش عمومی و مشارکت مردم در گزارش دادن جرایم اقتصادی مهم‌ترین راهکارها در مقابله با جرائم اقتصادی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۵-۱۱۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

جرائم اقتصادی، ابهام در قوانین، عدم بازدارندگی مجازات‌ها، پیشگیری.

نویسنده مسوول: حسن

حاجی تبار

آدرس پستی: ایران، مازندران،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر،

گروه حقوق.

تلفن: ۰۹۱۱۲۱۵۸۱۷۳

کد ارکید:

0000-0003-2156-1344

پست الکترونیک:

hajitabar@yahoo.com

مقدمه

منظور از جرایم اقتصادی، جرایمی است که در راستای حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، جرم تلقی شده است (داد خدایی، ۱۳۹۳، ۶۲). جرائم اقتصادی باعث اختلال در نظام اقتصادی می‌گردد (ولیدی، ۱۳۸۶، ۸۱؛ ساکی، ۱۳۸۹، ۲۵). در رابطه با جرم اقتصادی به واقع تعریف جامع و مشخصی وجود ندارد. می‌توان گفت جرم اقتصادی در زمره جرایمی است که در شکل‌های مختلف مانند پولشویی، اختلال در نظام ارزی نمایان می‌شود و نه تنها نظام اقتصادی بلکه تمام اجتماع را با مشکل مواجه می‌کند. جرائم اقتصادی، ضمن ایراد لطمه به اعتماد عمومی نسبت به دولت و حاکمیت جمهوری اسلامی، موجب برهم خوردن تعادل در توزیع درآمدها و ایجاد فاصله‌ای چشم‌گیر میان طبقات فقیر و غنی جامعه می‌شود. گسترش جرائم اقتصادی به یکی از معضلات بسیار بزرگ در کشور تبدیل شده است. در نتیجه اهمیت برخورد با جرائم اقتصادی بیش از پیش نمایان است (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ۱۶۵). طی سال‌های اخیر چند مورد پرونده‌های فساد اقتصادی با ارقام بسیار بالا مطرح شده که در هر کدام از آنها انواع مختلفی از جرائم اقتصادی رخ داده است. پرونده معروف به فساد بانکی ۳ هزار میلیارد تومانی، پرونده بیمه ایران، پرونده مشهور به میلیارد نفتی با رقم نزدیک به ۳ میلیارد دلار و پرونده فساد بانکی موسوم به ۱۲ هزار میلیارد تومانی از جمله این پرونده‌ها هستند (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵، ۶۶). جرائم اقتصادی، تبدیل به پدیده‌ای پیچیده و خطرناک شده است که

مبارزه علیه آن، مستلزم تبیین سازوکارهای ویژه و کارآمد می‌باشد. تبعاً سازوکارهای موردنظر می‌بایست دو عرصه کلان «مقابله» و «پیشگیری» را در برگیرند (زراعت، ۱۳۹۹، ۲۱۲). امروزه افکار عمومی جامعه علاوه بر برخورد و مقابله جدی با مجرمان جرائم اقتصادی، پیشگیری اصولی و زیربنایی را از مسئولان و متولیان نظام جمهوری اسلامی مطالبه می‌نماید. در خصوص مقابله با جرایم اقتصادی تألیفات متعددی انجام شده است. نبوی اصل، ۱۴۰۰، در مقاله‌ای به تحلیل سیاسی جنایی قانونگذار در کنترل جرایم اقتصادی پرداخته است. مهدوی‌پور و شهرانی کرانی، ۱۳۹۴، در مقاله‌ای نقش مخبران در آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرایم اقتصادی را بررسی کرده‌اند. جلیلیان و عطازاده، ۱۳۹۴، نیز در مقاله‌ای جرایم اقتصادی را از منظر جرم‌شناختی تحلیل کرده‌اند اما چالش‌های مقابله با جرایم اقتصادی آن گونه که باید مورد بررسی قرار نگرفته است. سؤال اساسی این است که چالش‌های مقابله با جرائم اقتصادی چیست؟ چرا با وجود قوانین متعددی در مقابله با جرائم اقتصادی، شاهد وقوع چنین جرایمی هستیم؟ از طرفی سازوکارهای پیشگیری از وقوع جرائم اقتصادی و همچنین مقابله با آن بر چیست؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «تعدد و پراکندگی قوانین، فقدان بازدارندگی اقتصادی مجازات‌ها، ماهیت پیچیده جرایم اقتصادی از چالش‌های مهم مقابله با جرایم اقتصادی است که رفع این چالش‌ها نیازمند اصلاح قوانین و نظارت بیشتر است». در راستای بررسی و

کلاهبرداری، خیانت در امانت و غیره که تحت عنوان «جرائم علیه اموال» مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و شرایط قانونی هر یک در قوانین موضوعه ذکر شده است، پاسخگوی مسائل نیست و بسیاری از موارد نظیر ثروت‌های بادآورده، استفاده از انحصارات و رانت‌خواری‌ها را در برنمی‌گیرد. خلاصه آن که بسیاری از اعمال و اقدامات که آثار سویی در اقتصاد و نظام اقتصادی کشور می‌گذارد و با توالی فساد خود بحران‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و گاه سیاسی را دامن می‌زند در قالب جرائم مطرح در قوانین جزایی نمی‌گنجد و به عبارتی حقوقی‌تر فاقد وصف مجرمانه است و از هرگونه تعقیب و تنبیه یا لاقط تعقیب و تنبیه مؤثر، به صورت قانونی در امان است. حتی قانون مجازات اخلال کردن در نظام اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسیده تعریفی از اخلال در نظام اقتصادی ارائه نکرده است و صرفاً به ذکر مصادیقی از آن در شش بند اکتفا کرده است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۴، ۵۶).

به کارگیری اصطلاحاتی چون مفاسد اقتصادی جرم مالی، جرم اقتصادی اخلال در نظام اقتصادی و... در متون قانونی، برداشتهای متفاوتی را در پی دارد. حتی در حال حاضر نیز که بحث مبارزه با جرائم اقتصادی اهمیت روزافزونی پیدا کرده است، هنوز مفهوم مشخصی از جرائم اقتصادی تبیین نشده است تا در جست‌وجوی راه‌هایی برای مبارزه با آن باشیم. بدیهی است برای آن که مختصات صلاح جامعه مدنظر قرار گیرد مجموعه این رفتارها نباید بنابر نظر گروه و یا افراد خاصی باشد، بلکه

پاسخ به سؤالات مورد اشاره ابتدا مفهوم جرائم اقتصادی بررسی شده، سپس از چالش‌های مقابله با جرائم اقتصادی بحث شده و در ادامه راهکارهای مقابله با جرائم اقتصادی تبیین شده است.

۱- چالش‌های مقابله با جرائم اقتصادی

یکی از سؤالات مهم مقاله حاضر به این پرسش اختصاص دارد که چرا علی‌رغم وجود قوانین متعدد، مقابله با جرایم اقتصادی آن‌گونه که باید نتیجه‌بخش نبوده است؟ در این قسمت تلاش شده در راستای بررسی سوال مورد اشاره، به چالش‌های مقابله با جرائم اقتصادی پرداخته شود.

۱-۱ تعریف نامشخص و ماهیت پیچیده جرائم

اقتصادی

در هیچ یک از قوانین مربوط به جرایم اقتصادی، عریف مشخصی از جرائم اقتصادی ارائه نشده است (زراعت، ۱۳۹۹، ۱۲). در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تلاش شده مصادیق جرایم اقتصادی احصاء شود اما این امر مشکلی از تعریف و چپستی جرایم اقتصادی حل نکرده است. ضمن اینکه موارد احصاء شده، کامل نیست و بسیاری از جرایم اقتصادی مانند جرایم بانکی را نادیده گرفته است (حسنی و مهرا، ۱۳۹۴، ۶۶).

دقت در قوانین جزایی کشورمان نشان می‌دهد که به‌طور صریح جرمی تحت عنوان «جرم اقتصادی» پیش‌بینی نشده و شرایط تحقق چنین جرمی بر مصادیق آن به‌روشنی مشخص نشده است. عناوین مشخصی نظیر جرم سرقت، ارتشا، اختلاس،

باید از برآیند جامعه نشأت بگیرد و به صورت اصولی روشن، شفاف، قانونی، و ثابت و پایدار ظهور و بروز پیدا کند.

۱-۲ دشواری کشف جرائم اقتصادی

یکی از ویژگی‌های خاص جرم اقتصادی امکان کشف پایین آن است که مقاله با آن را دشوار ساخته است. مرتکبان این جرائم، بیشتر افرادی با منابع قابل توجه و موقعیت‌های بالا هستند. آن‌ها برای انجام بسیاری از معاملات خود دلایلی ظاهراً موجه و قانونی دارند. فعالیت‌های آن‌ها در ابتدا هیچ سوءظنی را بر نمی‌انگیزد، به ندرت شاهی بر اعمال بزهکارانه آن‌ها وجود دارد و ادله‌ای که بر ضد آن‌هاست، در اسناد و دستگاه‌های رایانه‌شان مخفی می‌ماند. ارقام سیاه اغلب نتیجه این واقعیت است که برخی از جرائم کشف نشده باقی‌مانده‌اند و معمولاً بانک‌ها و شرکت‌ها به دلیل ملاحظات توجه به وجه خود، اقدام به گزارش جرم نمی‌کنند (اینار، ۲۰۰۶، ۴۵).

کشف جرم اقتصادی در سطح وسیعی بر بررسی اطلاعاتی که دادوستد بر اساس آن انجام می‌شود مبتنی است؛ از قبیل هویت ظرفین، هدف نهایی (معامله)، چگونگی اجرای قرارداد، مبدأ و مقصد پول و غیره. بررسی این داده‌ها در ابتدا و قبل از مداخله دیگران و سازمان‌های نظارتی در وهله اول بر عهده بزه‌دیدگان احتمالی جرم اقتصادی است. در واقع، جرم اقتصادی بدون همکاری بزه‌دیده به سختی به اطلاع نهادهای نظارتی، اجرایی و قضایی می‌رسد. زمانی که جرم اقتصادی در یک شرکت،

اداره یا یک سازمان ارتکاب می‌یابد، کارمندان مطلع می‌توانند در اعلام جرم ارتكابی مشارکت کرده تا بتوانند مجرمین را تحت پیگرد قرار داد. قانون‌گذاران کشورهای مختلف (به ویژه انگلوساکسون) برای تشویق این عده به گزارش و اعلام آنچه می‌دانند تدابیر مختلف حمایتی پیش‌بینی کرده‌اند. البته، خود شرکت‌ها نیز نوعی سیاست تشویق و گزارش و اعلام جرم‌های ارتكابی را در این‌گونه کشورها اجرا می‌کنند (دوک‌چر و کلوز، ۱۳۸۶، ۱۴۲). این امر موجب می‌شود که کارکنان شاهد ارتكاب ابتدا از در میان گذاشتن آن با رسانه‌ها خودداری کنند و از اینکه اعلام گزارش جرم از طرف آنان با جدیت بررسی و رسیدگی می‌شود اطمینان حاصل کنند و در عوض از حمایت در مقابل هر نوع اقدام انتقام جویانه از طرف افراد اعلامی بهره‌مند شوند و در صورت ورود ضرر خسارتشان جبران شود.

۱-۳ ابهام در قانون گذاری

جعل اسکناس و واردکردن و توزیع آن در سطح عمده باعث نقض این قاعده اقتصادی و ایجاد تورم می‌شود. بنابراین این عمل اخلاص در نظام اقتصادی محسوب می‌شود و به همین دلیل در بند الف ماده ۱ قانون اخلاص‌گران در نظام اقتصادی جرم‌انگاری شده است.

در جرم‌انگاری و تعیین مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی از واژه‌هایی نظیر کلان و عمده و فراوان استفاده شده است. در ماده ۲ قانون فوق‌الذکر و تبصره آن بر مبنای همین ضوابط و معیارها مجازات

تعیین شده است. وفق تبصره ۱ ماده ۲ (اصلاحی ۱۳۸۶) در صورت عمده یا کلان یا فراوان نبودن اخلال، مرتکب علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی محکوم خواهد شد. در صورت عمده محسوب شدن نتیجه مجرمانه، وی حداکثر به بیست سال حبس و ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آورده محکوم خواهد شد. به عبارتی دیگر قانون‌گذار بر مبنای ضابطه عمده یا فراوان یا گسترده بودن سه مجازات مختلف برای مرتکبین اخلال در نظام اقتصادی در نظر گرفته است.

در صورتی که اخلال عمده نباشد همان‌طور که بیان شد مجازات مرتکب شش ماه تا سه سال و جزای نقدی می‌باشد. با عنایت به اینکه وفق رأی وحدت رویه ۷۴۴ مورخه ۱۳۹۶/۸/۱ در مواردی که مجازات حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات می‌باشد و با عنایت به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات اخیر درجه پنج محسوب می‌شود و از آنجا که کیفر حبس از زمره مجازات‌های مذکور در تبصره ۵ ماده ۲ قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی که اعمال مقررات تخفیف در آن ممنوع اعلام شده است، نمی‌باشد لذا وفق بند ۱ ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی امکان تقلیل حبس از درجه ۵ تا درجه ۸ امکان‌پذیر می‌باشد. در صورتی که عمل واجد وصف عمده یا کلان تشخیص داده شود لیکن در حد افساد فی‌الارض نباشد، مجازات مرتکب از سه سال تا بیست سال در نوسان خواهد بود. در فرض دیگری ممکن است متهم از باب افساد

فی‌الارض به مجازات اعدام محکوم شود. در صورتی که قاضی رسیدگی‌کننده عقیده بر گسترده بودن اخلال صورت گرفته در نظام اقتصادی داشته باشد و نتیجه مجرمانه مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی که عبارت از اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی می‌باشد محرز شود، مرتکب به مجازات حدی افساد فی‌الارض که غیر قابل تخفیف می‌باشد محکوم خواهد شد. ملاحظه می‌گردد که بر مبنای عمده، کلان یا گسترده بودن، مجازات مرتکب از خفیف‌ترین مجازات درجه ۸، البته در مقام تخفیف) تا شدیدترین مجازات (اعدام) در نوسان می‌باشد. این نحوه قانون‌گذاری مخالف اصل کیفی بودن قانون می‌باشد. اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها در ادبیات جدید کیفری کم‌کم کنار گذاشته شده و اصل کیفی بودن قوانین کیفری جانشین آن شده است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱، ۳۴). از مصادیق این کیفیت عدم وجود ابهام در قوانین کیفری و درج آثاری است که قانون برای فرد به دنبال دارد. تعیین مجازات بر اساس ضوابط مبهم و نسبی می‌تواند حقوق و آزادی‌های اشخاص را به خطر بیندازد، چرا که برداشت هر شخص از این ضوابط متفاوت می‌باشد. مثلاً ممکن است یک قاضی اخذ رشوه به مبلغ یکصد میلیون تومان را عمده تلقی کند و قاضی دیگری مبلغ یکصد میلیارد تومان را. در نتیجه ممکن است شخصی که عمل او خسارت چندانی به نظام اقتصادی وارد نکرده، عمده تلقی شود و به شدیدترین مجازات محکوم شود که این خود

خطری بالقوه برای فعالان اقتصادی محسوب می‌شود. همچنین امکان مصونیت اشخاصی که با اعمال خود نظام اقتصادی کشور را از مسیر و مجرای صحیح خود خارج و به این واسطه منافع نامشروع سرشاری را به نفع خود و به ضرر اکثریت اعضای جامعه تحصیل می‌کنند می‌باشد. به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایران برای گریز از این آثار سوء در قانون فعلی مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی باید دست به اصلاحات بزند و معیارهای شفاف‌تری برای تعیین مجازات برای مرتکبین اخلال در نظام اقتصادی وضع کند.

در واقع بنابر این اصل افراد باید بدانند در صورت ارتکاب جرم معین چه مجازاتی در انتظار آن‌ها می‌باشد.

۱-۴ عدم بازدارندگی مجازات جزای نقدی

در تعیین میزان مجازات جزای نقدی اولاً میزان مجازات باید به نحوی تعیین شود که بازدارندگی لازم را داشته باشد و ثانیاً به نحوی باشد که بر اصل تناسب جرم و مجازات خدشه‌ای وارد نگردد. وفق ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹، ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست می‌آید به عنوان جزای مالی مرتکب

در نظر گرفته شده است. جزای نقدی در نظر گرفته شده عامل بازدارنده‌ای جهت انصراف از ارتکاب جرم نمی‌باشد چرا که اگر همانند ماده فوق جزای نقدی همان ضبط اموالی نامشروعی باشد که از طریق ارتکاب جرم حاصل شده است، با رد این اموال از سوی محکوم مجازات اجرا شده است و مجرم ملزم به پرداخت چیز دیگری نمی‌باشد. در واقع در فرض دستگیری و محکوم شدن، مرتکب چیزی از دست نمی‌دهد و در واقع آنچه را که از غیر حق دریافت کرده است باز پس می‌دهد و این برخلاف سیاستی می‌باشد که قانون‌گذار در تبصره همین ماده اتخاذ کرده است. در مواردی که اخلال صورت گرفته، کلان و عمده نباشد مرتکب علاوه این بر رد مال باید جریمه و جزای نقدی به میزان دوبرابر آنچه از طریق تخلف به دست آورده را پرداخت نماید. بنابراین میزان جزای نقدی باید بیشتر از آن چیزی باشد که مرتکب در اثر ارتکاب جرم به تحصیل کرده است تا عامل بازدارنده‌ای برای ارتکاب جرم باشد. همچنین با عنایت به اینکه میزان عواید تحصیل شده توسط مرتکبین در نوسان می‌باشد به نظر می‌رسد نظیر آنچه که در بند ۵ ماده ۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر آمده است^۱ در میزان جزای نقدی باید با

^۱ ماده ۵: هرکس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود: بند ۵ (اصلاحی ۱۳۸۹) بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازای هر کیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می‌گردد.

در اعمال سیاست مذکور در ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز این ایراد وجود دارد که مثلاً ممکن است شخصی مرتکب کالای قاچاق

به ارزش ۹ میلیون ریال شود که طبق بند ۱ ماده ممکن است به دو برابر ارزش کالا که هیجده میلیون ریال می‌باشد محکوم شود. درحالی که شخصی که مرتکب قاچاق کالا به ارزش ۱۰ میلیون ریال شده است ممکن است به ۵ برابر ارزش کالا که پنجاه میلیون ریال می‌باشد محکوم شود. این تفاوت فاحش امکان برخورد سلیقه‌ای و در نتیجه خدشه به اصل تناسب جرم و مجازات را فراهم می‌کند.

می‌توان با جرائم سنتی نظیر کلاهبرداری تطبیق داد که در هر صورت جرم‌انگاری و تنظیم یک سیاست کیفری افتراقی در این خصوص ضروری می‌باشد (سمیعی زنوز، ۱۳۹۵، ۳۴). همچنین در بند د ماده واحده قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی هرگونه اقدام به خارج کردن میراث فرهنگی را قاچاق محسوب کرده و آن را در زمره جرائم مختل‌کننده نظام اقتصادی محسوب کرده است درحالی که این جرم اخلاصی در نظام اقتصادی به مفهومی که ذکر شده ایجاد نمی‌کند و می‌توان آن را از زمره جرائم علیه آسایش عمومی محسوب کرد (میر محمدصادقی، ۱۳۹۵، ۳). همچنین می‌توان جرم‌زدایی از اخلاص در نظام اقتصادی از طریق قبول سپرده اشخاص (بند ه ماده ۱) را به دلیل هم‌پوشانی با بزه کلاهبرداری و ابهامات موجود در تعریف برخی واژگان کلیدی این قانون، پیشنهاد کرد.

۱-۶ بهره‌گیری مجرمین اقتصادی از

تکنیک‌های خنثی‌سازی

بنابر تعریفی که برخی از جرم اقتصادی کرده‌اند «جرائم اقتصادی مجموعه رفتارهایی هستند که کارکرد، الزامات و نظم نهادها و فرآیندهای نظام اقتصادی را دچار اختلال اساسی می‌کنند» (حسنی و مهرا، ۱۳۹۴، ۵۰). برخی از ویژگی‌های اساسی جرائم اقتصادی آن است که قابلیت مشاهده این جرائم توسط مردم بسیار پایین است. در نتیجه افکار عمومی حساسیت زیادی نسبت به آن نشان نمی‌دهد و کمتر به مراجع ذی‌ربط گزارش می‌شود.

استفاده از معیارهای کمی تقسیم‌بندی‌هایی انجام داد که میزان جزای نقدی بر اساس این تقسیم‌بندی به صورت پلکانی افزایش یابد تا در این صورت تناسب جرم و مجازات نیز رعایت شود. از آنجا که هدف بیشتر مرتکبین اخلاص در نظام اقتصادی، کسب منفعت مالی می‌باشد لذا مجازات جزای نقدی راهکاری مؤثر برای مقابله با مرتکبین این‌گونه جرائم می‌باشد.

۱-۵ جامع و مانع نبودن مصادیق

قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹ در هفت بند، اعمالی را که منجر به اخلاص در نظام اقتصادی می‌شود برشمرده است، لیکن مصادیق ذکر شده در قانون فوق جامع و مانع نیستند. جرائم ارتكابی در حوزه بانکی، خصوصی‌سازی، جرائم شرکتی و جرائم مرتبط با صادرات و واردات که در سال‌های اخیر اقتصاد ایران را دچار اختلال کرده است (حسنی و مهرا، ۱۳۹۶، ۶۹). در این فهرست نیامده است. برای مثال در حوزه جرائم بانکی، دریافت تسهیلات با اسناد جعلی و اظهارات خلاف و بدون داشتن شرایط مقرر قانونی، سپردن وثایق فاقد اعتبار یا کم اعتبار، استفاده از تسهیلات دریافتی در موضوعی غیر از قرارداد، عدم باز پرداخت عامدانه اقساط و ادعای واهی ورشکستگی از سوی بدهکاران بانکی، رفتارهایی هستند که به نظام بانکی کشور آسیب وارد کرده است و زمینه‌های لازم برای اخلاص در نظام اقتصادی را به وجود می‌آورند. برخی از این رفتارها جرم‌انگاری نشده‌اند و برخی دیگر را

اقتصادی، قوانین موجود را مانع رسیدن به اهداف خود می‌بینند و از این رو ناعادلانه بودن مقرراتی که حکومت وضع نموده است را برای ارتکاب جرم بهانه می‌کنند.

یکی از مصادیق بارز جرائم اقتصادی که این اشکال در مورد آن صادق است جرم قاچاق می‌باشد. بسیاری از قاچاقچیان که اقدام به قاچاق کالا می‌کنند نه تنها رفتار خود را قبیح و ناهنجار نمی‌شمارند بلکه معتقدند که وارد کردن این کالاها برای مردم بسیار مفید بوده و در واقع به هموطنان خود خدمت کرده‌اند. لذا در این موارد قاچاقچی رفتار خود را قابل قبول و مطلوب می‌داند و در نتیجه به دنبال توجیه آن با توسل به فنون خنثی‌سازی نیست (آقایاری، ۱۳۹۴، ۱۰۰). بر این اساس، ادعای قاچاقی این است که قوانینی نقض شده توسط آنان اهمیت چندانی نداشته و یا حتی غیرمنصفانه است. مجرمین یقه سفید از همین تکنیک استفاده می‌کنند. آنها برای ارتکاب جرائم اقتصادی، قوانین موجود را مانع رسیدن به اهداف خود می‌بینند و از این رو ناعادلانه بودن مقرراتی که حکومت وضع نموده است را برای ارتکاب جرم بهانه می‌کنند.

۷-۱ ارتکاب جرائم اقتصادی از سوی اشخاص

حقوقی

یکی از چالش‌های مقابله جرائم اقتصادی، ارتکاب این نوع جرائم از سوی اشخاص حقوقی از جمله شرکت‌های معروف به خصولتی هستند. این شرکت‌ها که در ظاهر شرکت خصوصی هستند ولی

این مسئله موجب می‌شود که رقم جرائم اقتصادی بالا باشد. یکی دیگر از خصایص جرم اقتصادی پویایی آن است. به این معنا که به سرعت خود را با شرایط جدید وفق می‌دهد. مجرمین یقه سفید به دلیل مهارت و تخصص بالایی که دارند برای ارتکاب جرم از جدیدترین فناوری‌ها و ابزارها استفاده می‌کنند (ابراهیمی و صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۲، ۱۵۹).

با توجه به آنکه در اثر ارتکاب جرائم اقتصادی از یک‌طرف آسیب بسیار زیادی به جامعه و رفاه عمومی وارد می‌شود و از طرف دیگر عموم مردم اطلاع کافی از این جرائم نداشته و در نتیجه حساسیت کمتری نسبت به آن نشان می‌دهند شناسایی و تحلیل عوامل ارتکاب جرائم یقه سفید از اهمیت بالایی برخوردار است (الهام و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۴).

یکی از رایج‌ترین تکنیک‌ها برای توجیه و عادی جلوه دادن جرائم اقتصادی نفی کردن آسیب یا خسارت وارده در این دسته از جرائم است. به تعبیری یقه سفیدهای محکوم‌شده غالباً ادعا می‌کنند که اقدامات آن‌ها به کسی آسیب نرسانده است و حین ارتکاب جرم نیز با توجه به عدم ایراد صدمه به فرد یا جامعه مرتکب چنین رفتاری شده‌اند. بنابراین هیچ کار اشتباهی انجام نداده و مستحق مجازات نیستند. استفاده از این روش در جرائم پولشویی، رشا و ارتشا بسیار رایج است. زیرا در این موارد ظاهراً به هیچ فرد یا گروهی آسیب وارد نشده است (بروکس، ۲۰۱۶، ۱۰۳). به عنوان مثال مجرمین یقه سفید برای ارتکاب جرائم

از منابع عمومی دولتی استفاده می‌کنند زمینه ارتکاب جرائم اقتصادی را فراهم آورده‌اند. این شرکت‌ها رفتارهای به ظاهر قانونی دارند اما در اکثر موارد نتیجه عملکرد آن‌ها غیرقانونی است، بدین صورت که مؤسسان، شرکت‌ها را به نام وابستگان خودشان تشکیل می‌دهند و از رانت‌هایی که به آن دسترسی دارند منابع عمومی را وارد شرکت‌ها می‌کنند. شیوع روش‌های جدید و خطرناک ارتکاب جرائم اقتصادی در این شرکت‌ها، طراحی و تأسیس شرکت‌های کاغذی در قالب هلدینگ با ساختاری پیچیده و مدیریت یک شخص یا گروه خاص به صورت باندي، از جمله این روش‌ها است. منافع این شرکت‌ها برای اعضاء است، در حالی که منابع مالی شرکت از منابع عمومی دولتی یا مردم تأمین می‌شود و بی‌انضباطی مالی در مصارف و هزینه‌های این‌گونه شرکت‌ها که عمدتاً قابل برگشت هم نیست، مشهود است. مؤسسان شرکت‌های خصوصی به تشکیل یک شرکت اکتفاء نمی‌کنند، بلکه با رانت استفاده از منابع عمومی یا مردمی، شرکت‌های متعدد ایجاد و به صورت پیچیده و شبکه‌ای عمل می‌کنند که تشخیص جرم را بسیار مشکل می‌نماید (هدایتی چنایی، ۱۴۰۰، ۶۵).

شایع‌ترین رفتارهای منجر به جرائم اقتصادی در شرکت‌های مورد اشاره، عدم رعایت آئین‌نامه معاملاتی، پوشش رفتار مجرمانه با ایجاد ساختار سازمانی و سامان‌دهی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای اداره مجموعه اقتصادی، انجام معاملات درون گروهی و ایجاد درآمدهای موهوم، وارد کردن بخش خصوصی در انجام معاملات درون گروهی فی‌مابین

شرکت‌ها و انتقال بدهی شرکت‌ها به منظور پنهان نمودن زیان ناشی از عملکرد، از جمله این رفتارها است. وحدت قصد در انجام فعل مجرمانه با رهبریت هم‌زمانی مدیریت‌های کلیدی در سطح کلان مجموعه، عدم توجه به قوانین و مقررات در فعالیت‌های اقتصادی، انجام اقدامات خارج از چهارچوب قانون تجارت، تنظیم صورت‌جلسات صوری هیأت مدیره به اقتضای رفتارهای انجام‌شده، عدم شفافیت صورت‌های مالی، حساب‌سازی و شناسایی درآمدهای موهوم از مطالبات لاوصول، انتقال زیان شرکت‌ها به دیگر شرکت‌های شبکه جهت تراز حساب‌ها و استفاده از یک مؤسسه حسابرسی و بازرسی برای کلیه شرکت‌ها از دیگر رفتارهای منجر به جرائم اقتصادی این شرکت‌ها است (صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۶، ۲۱۲).

لذا در رسیدگی به پرونده‌های جرائم اقتصادی می‌توان از تحقیقات میدانی، شامل بازدید از محل سرمایه‌گذاری و جلوگیری از نقل و انتقال دارایی شرکت‌ها، استعلام از مبادی ذی‌ربط از جمله اداره ثبت شرکت‌ها و استفاده از سیستم‌های شناسایی هویتی متهمان توسط دستگاه اطلاعاتی می‌توان استفاده نمود. ضمناً در خصوص راه‌های بازگشت اموال و دارایی‌ها در رسیدگی به اینگونه جرائم، از مهندسی معکوس (ارائه طریق قانونی بر بازگشت اموال) و توقیف اموال از طریق خواسته، می‌توان برای استرداد اموال استفاده کرد.

۲- راهکارها

موضوع مهم دیگر مقاله حاضر به این مهم اختصاص دارد که راهکارهای مقابله با چالش‌های فراروی مبارزه با جرایم اقتصادی چیست؟ یکی از رویکردهای سیاست جنایی که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه حقوقدانان کیفری و جرم‌شناسان قرار گرفته، پیشگیری از وقوع جرائم است. لطمات و هزینه‌های اقتصادی که ارتکاب جرائم مختلف بر دولت‌ها بار نموده، آن‌ها را بر آن داشته تا نسبت به اندیشیدن راهکارهایی جهت حذف این معضلات و هم‌زمان از بین بردن یا به حداقل رسانیدن ارتکاب جرائم با پیشگیری از وقوع آن‌ها ترغیب شوند. پیشگیری غیرکیفری، خود به دو نوع پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی تقسیم می‌شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳، ۵۵۹) و هر یک اصول و شرایط خاص خود را دارد. پیشگیری اجتماعی با استفاده از محیط‌های اجتماعی به دنبال تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد است (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰، ۱۵۶). این تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت از طریق اقدامات تربیتی مانند آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه و... عملی می‌شود. پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آن‌ها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است (محمد نسل، ۱۳۹۱، ۵۶).

در این میان پیشگیری وضعی که ناظر بر موقعیت‌های قبل از ارتکاب جرم و از بین بردن

آن‌ها به جهت حذف ارتکاب جرم است، با توجه به رویکردهای جدید در جرم‌شناسی و کیفرشناسی از جمله رویکرد مدیریتی خطرمدار به جرائم، دارای اهمیت بسیاری می‌باشد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۸، ۷۱۷)، چرا که از رهگذر آن، می‌توان موقعیت‌های جرم‌زا و همچنین افراد دارای تمایلات مجرمانه را کنترل نمود (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ۱، ۴۵). به عبارت دیگر در پیشگیری وضعی که مبنای نظری آن در جرم‌شناسی، وضعیت ماقبل بزهکاری است، ما با فرایند گذار از اندیشه به عمل روبرو می‌باشیم و خواستار تغییر وضعیت مشرف بر ارتکاب جرم هستیم تا بدین وسیله فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه قطع و متوقف شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۰، ۳۴).

در این قسمت به بررسی راهکارهای مقاله با چالش‌های فراروی مبارزه با جرایم اقتصادی پرداخته شده است.

۲-۱ اصلاح قوانین

یکی از راهکارهای مقاله با چالش‌های فراروی مبارزه با جرائم اقتصادی اصلاح قوانین است. که در این قسمت به دلیل جلوگیری از اطاله کلام، صرفاً به چند نمونه اشاره می‌شود. قوانین مختلف در زمینه مبارزه با جرائم مختلف نیازمند اصلاح و بازنگری است. قانون گذار ایران برای گریز از این آثار سوء در قانون فعلی مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی باید دست به اصلاحات بزند و معیارهای شفاف‌تری برای تعیین مجازات برای مرتکبین اخلال در نظام اقتصادی وضع کند. وضع معیارهای

درآمد دولت بوده مرتکب قاچاق شود» به جرم‌انگاری قاچاق پرداخته است. متعاقباً در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام با این‌که در بند الف ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۷۴، به منظور سرعت بخشیدن به روند رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده‌های مربوط به قاچاق، با هدف کاهش تراکم کار دستگاه عدالت کیفری تا حدودی مبادرت به قضا‌دایی نموده است، اما ماده ۳ این قانون عمل کسی که عالمانه مبادرت به حمل کالای قاچاق از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌نماید را جرم‌انگاری نموده است و سایر مقررات قانون مجازات مرتکبین قاچاق سال ۱۳۱۲ را نیز با اصلاحات جزئی در سال ۱۳۷۳ بدون هیچ تغییری در تعریف ناظر به قاچاق مندرج در ماده ۱ قانون مزبور مورد تأیید قرار داده است. فقدان تعریف جامع و مانع از قاچاق کالا موجب اختلاف نظر و تفاسیر مختلف از قاچاق کالا می‌شود (احمدی، ۱۳۸۵، ۱۴).

از دیگر حوزه‌های که نیازمند اصلاح و بازنگری است، مقررات راجع به ثبت شرکت‌هاست. امروزه با توجه به سهل بودن مقررات ثبت هرگونه شرکت، اعم از سهامی خاص، با مسؤ‌ولیت محدود و... عده‌ای با ثبت چنین شرکت‌هایی به صورت صوری و زیر پوشش آن، به فعالیت‌های مجرمانه نظیر کلاهبرداری و یا پولشویی می‌پردازند. بنابراین، ضروری است که حداقل مبلغ جهت ثبت شرکت‌ها با توجه به نرخ تورم، افزایش یافته و ثانیاً در هنگام ثبت شرکت تجاری، افراد مؤسس از تخصص‌های

کمی نظیر سیاستی که قانون‌گذار در جرائم ارتشا و اختلاس در قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری و مجازات مرتکبین قاچاق کالای ممنوع و قاچاقچیان حرفه‌ای در مواد ۲۲ و ۳۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اتخاذ کرده است پیشنهاد می‌شود.

علاوه بر این قوانین گمرکی یکی دیگر از حوزه جرائم اقتصادی است که لازم است اصلاح شود. معمولاً یکی از مجاری ورودی کالاهای قاچاق به شیوه‌ای پیچیده و پنهانی نه فقط در کشورها بلکه در اکثر کشورهای دنیا حتی کشورهای پیشرفته، مبادی گمرکات است. قوانین مختلف و پیچیده در امر واردات و حتی مبارزه با کالاهای قاچاق به افزایش این جرم اقتصادی دامن زده است. علاوه بر قوانین و مقررات مختلف، بخشنامه‌ها و مقررات متعدد و سخت‌اجرائی در اکثر ادارات فعلی به هنگام اظهار کالا و گرفتن مجوزهای مختلف و باز کردن اعتبارات اسنادی، ارتباط با سیستم‌های پیچیده بانکی و... می‌شود را باید به مشکلات موجود بر سر راه کشور افزود» (آقازاده، ۱۳۸۵، ۱۵۹). و حتی در چنین وضعیتی وجود قوانین مبهم که امکان تفسیرهای شخصی را می‌دهد، از جمله مشکلات سیستم گمرکی می‌باشد. به عنوان نمونه در خصوص تعریف قاچاق کالا، قوانین موجود شفاف، روشن و صریح نمی‌باشند.

قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۹۲ به جای اوصاف و شرایط مجرمانه‌ای که قاچاق محسوب می‌شود، صرفاً با قید عنوان قاچاق و با استعمال جمله «هرکس در مورد مالی که موضوع

لازم مربوط برخوردار بوده و مدارک لازم را دارا باشند، ثالثاً بر نحوه فعالیت شرکت مبنی بر اینکه آیا به صورت صوری تشکیل یافته و یا در حیطه حدود و اختیارات قانونی و ثبت شده خود، فعالیت پویا دارد، نظارت گردد و در صورت مغایرت جهت انحلال آن‌ها از طریق مراجع ذیصلاح اقدام گردد، این امر در پیشگیری از جرم به ویژه جرایمی نظیر کلاهبرداری، تطهیر پول و فساد مالی نقش مؤثری ایفا می‌نماید.

۲-۲ نظارت سازمانی بر فعالیت‌های مالی

نظارت یکی از روش‌های متداول پیشگیری از جرم می‌باشد (فروزنده، ۱۳۸۵، ۵۶). جرایم اقتصادی در شکل‌های مختلف در دستگاه‌های اداری وجود دارد و سازمان‌های نظارتی به رغم تمامی تلاش‌های انجام شده، قادر به مقابله و برخورد با آن نبوده‌اند و مجموعه اقداماتی که تحت عنوان نظارت و بازرسی در کشور انجام می‌گردد به لحاظ موانع و محدودیت‌ها از کفایت و کارایی لازم برخوردار نبوده و نتوانسته نقش مؤثری ایفا نماید. دستگاه‌های نظارتی درون سازمانی علی‌رغم این‌که از اشراف بیشتری بر امور سازمان خود برخوردار بوده و قبل از وقوع هرگونه جرم می‌توانند از آن جلوگیری نمایند و بنابراین نقش مؤثری در پیشگیری از جرائم اقتصادی و به ویژه فساد مالی و اقتصادی ایفاء نمایند، اما تا حد زیادی وابسته به دستگاه‌های اجرایی خود بوده و از استقلال لازم برخوردار نیستند.

در ساختار اداری، حال حاضر تشکیلات و سازمان مستقلی برای ذی‌حسابی‌ها پیش‌بینی نگردیده است و از نظر منابع مالی و انسانی مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های خود وابسته به دستگاه‌های اجرایی می‌باشند. «در تبصره ماده ۳۱ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ تصریح شده که ذی‌حساب باید وظایف خود را زیر نظر رئیس دستگاه اجرایی انجام دهد. این حکم قانون با انجام وظیفه نظارتی مقرر در ماده فوق مغایرت دارد زیرا منطقی نیست که به شکلی جایگاهی هم زیرمجموعه جایگاه دیگری باشد و هم ناظر به جایگاه بالاتر باشد لذا استقلال مقام ناظر شدیداً تضعیف می‌شود.

در تبصره ۲ ماده ۲۱ در رابطه با مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی صدور حکم ذی‌حسابی از سوی وزارت امور اقتصاد دارایی منوط به موافقت دستگاه ذی‌ربط شده است. در چنین حالتی بدیهی است که استقلال ذی‌حساب‌ها بیشتر تضعیف می‌شود.

تبصره ۳۴ قانون برنامه اول توسعه و تبصره ۹۹ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گرچه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت اقتصاد و دارایی را موظف به نظارت مستمر بر اجرای عملیات دستگاه‌های اجرایی نموده است؛ لیکن صرفاً به ارائه گزارش مربوط به پیشرفت عملیات و مطابقت آن در زمینه وصول به هدف‌های تعیین شده در برنامه در مقاطع ۶ ماهه به دولت و دیوان محاسبات و کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی بسنده نموده است. درحالی که اگر هدف

نظارت به ویژه نظارت حین اجرا باشد؛ گزارش‌های شش‌ماهه باعث از دست رفتن بسیاری از فرصت‌های اصلاح امور می‌شود و چنانچه این گزارش‌ها در جزئیات مورد توجه قرار گیرند، اقدام عملی با تأخیر بیش از ۶ ماه از تاریخ بازدید، بسیار دیر خواهد بود» (محسنی و اصلانی، ۱۳۸۲، ۲۳۴). از طرفی به نظر می‌رسد لزوم ایجاد هماهنگی بین مراجع نظارتی بررسی عملکرد کلی نظام کنترل کشور نشان می‌دهد که به رغم وجود قوانین بالنسبه سفت و محکم و دارا بودن دستگاه‌های عریض و طویل در نظام کنترل هنوز انسجام لازم در نظام کنترل کشور مشاهده نمی‌شود. کنترل از ارکان اصلی مدیریت است و انواع مختلف آن با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند و برای کنترل مؤثر باید رابطه منطقی بین آن‌ها برقرار کرد تعدد سازمان‌های نظارتی و عدم تصویب قانون جهت ارتباط قانون‌مند و سیستمی میان سازمان‌های نظارتی باعث ایجاد فعالیت‌های موازی و ایجاد هزینه‌های زیاد و کم اثر گردیده است.

۲-۳ رفع تعارض منافع

مسئله تعارض منافع مهم‌ترین ریشه‌های وقوع فساد در حاکمیت معرفی شده است به همین دلیل، تدوین قواعد کنترل و مدیریت تعارض منافع به منظور پیشگیری از فساد مورد توجه حکومت‌ها بوده است. راهکارها و روش‌های مختلفی را می‌توان برای کنترل و مدیریت تعارض منافع در تدوین و تصویب قواعد، آموزش عمومی و روش‌های کشف و برخورد با نقض‌کنندگان قواعد تعارض منافع مورد

بررسی قرار داد. بی‌بهره‌سازی مالی مسئولین از نتایج سیاست‌گذاری‌شان استفاده از وکیل ناشناس برای مدیریت اموالی که ممکن است تحت تأثیر تصمیمات سیاستی مسئولین باشند، از جمله این روش‌هاست (معظمی، ۱۳۸۶، ۹۸). اخیراً مجلس شورای اسلامی، کلیات طرح مدیریت تعارض منافع را تصویب کرد. کلیات طرح مدیریت تعارض منافع البته از چند جهت مورد نقد است. معمولاً و منطقاً آنچه که ابتدا در نگارش قانون متناظر با یک موضوع کلان به نظر می‌رسد، تسلط ماهوی شناختی نسبت به موضوع، درک کامل از ساختواره آن موضوع و تبیین جامع محورها و راهبردهای مواجهه با موضوع خواهد بود. این در حالی است که به نظر می‌رسد نوعی نگاه استقرایی در شکل‌گیری و نگارش لایحه تعارض منافع به وجود بیاید. به بیان دیگر قانون‌گذار در مسیر تسریع پاسخگویی به مسئله فساد و تعارض منافع، مهم‌ترین مصادیقی که با آن مواجه بوده را احصا کرده و سعی نموده تا در قالب چند ماده به هر کدام از آن‌ها پاسخ بگوید. پیشنهاد کلی برای اصلاح مشکل مبنایی موجود در لایحه آن است که ابتدا هیئت نگارندگان قانون با موضوع تعارض منافع به صورت محتوایی روبرو شده و ساختواره مشخصی از آن را به عنوان نقشه راه و چارچوب سیاست‌گذاری تبیین نمایند و سپس بر مبنای آن الگوهای عملیاتی مشخصی را برای مواجهه با موضوع تعارض منافع و مسائل محوری متناظر با آن، به صورت یک سند قانونی تدبیر نمایند (ویسه و همکاران، ۱۳۹۹، ۵).

کارکنان دانشگاه‌های آزاد و مراکز آموزش عالی غیردولتی و مدارس غیرانتفاعی به صورت جداگانه مشمول قانون به شمار آمده‌اند که به نظر می‌رسد ماده ۲ دارای مقسم و دسته‌بندی مشخصی نیست، چرا که در این میان ناظر به اشخاص حقیقی و حقوقی متناظر بخش‌های دیگری از جمله مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های وابسته به آن‌ها، شرکت‌های دولتی، مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه و... تعیین تکلیف نشده است (پرهیزگاری، ۱۳۹۷، ۸۹).

یکی از چالش‌های اصلی لایحه تعارض منافع مقوله ضمانت اجراهاست. آنچه در این بخش مدنظر قرار دارد وجه ناموزون بودن و فقدان دسته‌بندی منطقی ضمانت اجراها در لایحه می‌باشد. به‌طور خاص با غور در مفاد فصل سوم لایحه می‌توان به موادی اشاره نمود که به فراخور هر موضوع به صورت سلیقه‌ای قانون‌گذار امر ضمانت اجرا را به یک واحد سپرده و یا اینکه بدون مبنای مشخصی به صورت پراکنده و متنوع از ابزارهای مختلفی استفاده کرده که به نظر به اهداف قانون نزدیک نیست و عملاً تأمین‌کننده فرایند عملیاتی مواجهه با تعارض منافع نیست. ضمانت اجراها می‌بایست از دو اصل بازدارندگی و انگیزشی برای جلوگیری از ارتکاب جرم و یا فرار از جرم بیانجامد که به نظر این نگاه در طراحی ضمانت اجراها رعایت نشده است.

یکی دیگر از مواردی که لایحه تعارض منافع را در بخش‌های مختلف دچار چالش کرده و نتایج منفی از جمله غفلت از بخش بزرگی از جامعه مخاطبین و... را به بار آورده است، فقدان یک دسته‌بندی منطقی تحت اشراف یک نگاه کلان و جامع به موضوع است. در ماده ۲ لایحه تعارض منافع که سعی داشته مشمولین قانون تعارض منافع را احصا نماید، با توجه به اینکه از قبل مخاطبین مسئله تعارض منافع به درستی شناخته نشده و اصولاً دسته‌بندی نسبت به آن صورت نگرفته، بندهای ماده مورد اشاره شامل موارد پراکنده‌ای است که موجب غفلت از بخش بزرگی از جامعه هدف شده است. در این ماده با جدا کردن مقامات از کارمندان، گرچه در حوزه مقامات با ارجاع به قانون رسیدگی به داریایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱ تلاشی کامل داشته و در نتیجه اهم موارد مشمولین را به خوبی پوشش داده اما در بند ۲ در احصا دایره کارمندان مشمول این قانون، به مواد ۱ تا ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری ارجاع داده که متأسفانه از جامعیت برخوردار نیست. به این علت که اولاً این مواد در برگیرنده دستگاه‌های اجرایی قوه مجریه می‌باشد و بخش بزرگی از جامعه هدف یعنی کارکنان قوه مقننه و قوه قضائیه را شامل نمی‌شود. ثانیاً قانون مدیریت خدمات کشوری خود قانون کامل و منحصری به شمار نمی‌رود و در نظام حقوقی ما در بسیاری از موارد با استمداد از مفاد قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ کامل می‌شود. همچنین در ادامه ماده ۲ در اقدامی جالب

۲-۴ نظارت بر نظام بانکی

جرام و پولشویی از طریق سیستم‌های پولی و بانکی روی می‌دهد (رهبر، ۱۳۸۱، ۱۹۸). بر اساس مواد ۱۱ و ۱۲ دستورالعمل شورای پول و اعتبار در خصوص اشخاص حقیقی «شناسایی می‌بایست با ملاحظه مدارک معتبر و با اخذ معرفی‌نامه معتبر که به امضای حداقل یک نفر از مشتریان شناخته‌شده مؤسسات مالی مربوطه رسیده باشد و نیز اخذ اطلاعات در مورد سوابق متقاضی از سایر بانک‌هایی که متقاضی با آن‌ها رابطه مستمر بانکی داشته یا دارد با استفاده از گواهی اشتغال به کار و موارد مشابه و سایر روش‌های مطمئن به تشخیص موسسه صورت پذیرد. قانون مبارزه با پولشویی حاکی از این است که، مقید کردن الزام به شناسایی مشتری به مواردی است که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد (بند الف ماده ۷). بدیهی است که مقید کردن الزام به شناسایی مشتری فاقد توجیه منطقی است، چرا که ممکن است افتتاح حساب (بدون احراز هویت دقیق افراد) جهت تسهیل ارتکاب جرایمی که در آینده امکان ارتکاب به آن‌ها می‌رود باشد و یا اینکه به هنگام افتتاح حساب موارد مشکوک احراز نشود. ماده ۳ دستورالعمل شورای پول و اعتبار، جهت شناسایی مشتری حقوقی توسط مؤسسات مالی و بانکی، اخذ اطلاعات راجع به موضوع فعالیت، صورت‌های مالی، اسامی و نشانی هیأت مدیره و مدیرعامل و سهامداران بیش از ۲۰ درصد در مورد شرکت‌ها و نیز مؤسسين هیأت امناء و ارکان مشابه در مورد مؤسسات غیرتجاری و نام و نشانی حسابرس یا حسابرسان را

الزامی نکرده است. اما به نظر می‌رسد که صرف اخذ اطلاعات راجع به موارد مذکور کافی نبوده، می‌بایست اقدامات مؤثر و مناسبی از سوی بانک‌ها و مؤسسات مالی به منظور شناسایی عملی و دقیق مشتریان انجام شود. از جمله این اقدامات می‌توان به حصول اطمینان از فعالیت شرکت و عدم اکتفا به صرف اساسنامه و صورت‌های مالی و نشانی اشخاص، با اخذ مدارک معتبر و کافی در این زمینه اشاره کرد. بند (الف) قسمت یک ماده ۷ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی مقرر می‌دارد: «در حیطه اختیارات خود و به منظور جلوگیری و شناسایی کلیه اشکال پولشویی، یک نظام جامع نظارتی و اداری داخلی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی غیربانکی، و در صورت اقتضاء سایر دستگاه‌هایی که به طور خاص در معرض پولشویی هستند، ایجاد خواهند کرد. این نظام بر ضرورت شناسایی مشتری، حفظ سوابق و گزارش معاملات مشکوک تأکید خواهد داشت. همچنین ماده ۱۴ کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جرائم مالی نیز با عنوان «اقداماتی جهت پیشگیری از پولشویی در قسمت (۱) خود به تشکیل نظام جامع نظارتی و کنترلی داخلی برای بانک‌ها و سازمان‌های مالی غیربانکی اشاره می‌کند (زارعیان و کلانتری، ۱۳۹۶، ۶۷).

از مطالعه مقررات مرتبط نظام حقوقی داخلی و مواد مذکور از کنوانسیون یادشده، ملاحظه می‌شود که اول دستورالعمل شورای پول و اعتبار ایران هرچند پیش از تصویب آن کنوانسیون‌ها تصویب و به مرحله اجرا درآمده‌است، اما مقررات آن از حیث

یکی از برنامه‌های اصلاحی پیشگیرانه و مقابله با جرائم اقتصادی نام‌برده‌اند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۶، ۷۵). خصوصی‌سازی را باید فرایندی در راستای مقابله با جرایم و فساد اقتصادی تلقی کرد (ربیعی، ۱۳۸۳، ۴۲)؛ زیرا با ورود بخش خصوصی، و خارج شدن دارایی‌هایی بزرگ از اختیار دولت، زمینه ارتکاب جرایم اقتصادی کاهش می‌یابد.

۲-۶ آموزش عمومی

برای آنکه شهروندان کشوری بتوانند با جرائم مقابله کنند و خود از ارتکاب آن دوری ورزند، آموزش و آگاه‌سازی آنان ضروری و لازم دیده می‌شود (جمشیدی، ۱۳۹۰، ۱۱۰). زیرا برای تحقق مشارکت مؤثر مردم و نیروهای اجتماعی، تجهیز نمودن عمومی به برنامه‌های سیاست جنایی و آموزش افراد جامعه جهت همکاری در امر پیشگیری تأثیرگذار است و از سوی دیگر آگاهی و آموزش عمومی سبب اعتماد یافتن عمومی به نظام کیفری‌شان می‌گردد و زمینه را به برنامه‌های مشارکت جویانه تقویت می‌نماید (همدمی خطبه سرا، ۱۳۸۷، ۲۵۶). آموزش همگانی در امر پیشگیری جرائم اهمیت زیاد دارد، چنانچه اهمیت آن در هنگ‌کنگ به خوبی مورد تجربه قرار گرفت. کمیسیون مستقل مبارزه با جرائم این کشور، برنامه‌های تبلیغاتی و امدادی مختلفی، برای آموزش مردم درباره جرائم و راهبردهای مبارزه با آن سازمان دادند و از طریق رسانه‌ها و تماس‌های دقیق و رودررو، مورد استفاده جامع قرار دادند و

شناسایی مالک منافع، حفظ سوابق و... منطبق با مقررات کنوانسیون مذکور بوده، لیکن از سوی دیگر قانون مبارزه با پولشویی که پس از کنوانسیون‌های مورد بحث تصویب گردیده، مقررات آن‌ها را نادیده گرفته، الزام به شناسایی مشتری را مقید بر وجود قرینه‌ای بر تخلف نکرده است. ثانیاً ضوابط مقرر در بند الف ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی جرم‌زا بوده و راه را برای ارتکاب این جرم باز می‌گذارد؛ زیرا الزام به شناسایی مشتری را مقید بر وجود قرینه‌ای بر تخلف نکرده است، در حالی که ارتکاب جرم مورد بحث با وصف عدم وجود قرینه‌ای بر تخلف، امری دور از ذهن نبوده، عادی می‌نماید.

۲-۵ کاهش نقش دولت در حوزه تصدی‌گری

مداخله دولت در عرصه اقتصاد بیش از حد وظایفی که کلاسیک‌ها برای آن قائل شده‌اند و تنظیم قوانین و مقررات، تأمین نظم و امنیت، حفاظت از اجرای قراردادها و... موجب رشد بوروکراسی و بروز پدیده‌هایی مانند رشوه، رانت‌جویی خواهد شد که هزینه‌های اجتماعی مربوط به آن‌ها، کل جامعه را در وضعیت بدتری قرار می‌دهند. خصوصی‌سازی در ظاهر «عبارت است از فرآیند انتقال وظایف و تأسیسات یک واحد دولتی به یک واحد خصوصی و یا فروش بیش از ۵۰٪ سهام و تفویض وظایف دولتی به نیروهای بازار به تعبیر جدید مؤسسات بین‌المللی نیز خصوصی‌سازی عبارت است از مسئول کردن مردم در فعالیت‌های اقتصادی» (اردشیری، ۱۳۸۶، ۳۵۲). اغلب پژوهشگران و اقتصاددانان، از جریان خصوصی‌سازی به عنوان

و اینکه غالباً در این جرائم بزه‌دیده فرد خاصی نیست (وجود خارجی ندارد) و آسیب حاصل از آن نیز نه مشهود بوده و نه به صورت مستقیم متوجه کسی می‌باشد مرتکبین آن به راحتی با نفی بزه‌دیده، نفی صدمه و زیان حاصل از جرم و نفی مسئولیت از خود، جرم ارتكابی را توجیه نموده و با عادی‌سازی جلوه دادن آن عذاب وجدان را کنار زده و با طیب خاطر مرتکب جرم شوند.

روش‌های جدید و خطرناک ارتكاب جرائم اقتصادی در شرکت‌های به ظاهر خصوصی (خصولتی) از دیگر چالش‌های مقابله با جرائم اقتصادی است. طراحی و تأسیس شرکت‌های کاغذی در قالب هلدینگ با ساختاری پیچیده و مدیریت یک شخص یا گروه به صورت باندي از جمله این روش‌ها است. شرکت‌های خصوصی زمینه ارتكاب جرائم اقتصادی را این‌گونه فراهم می‌کنند که مؤسسان شرکت‌ها، شرکت‌هایی را به نام وابستگان خودشان تشکیل می‌دهند و از رانت‌هایی که به آن دسترسی دارند منابع عمومی را وارد شرکت‌ها می‌کنند.

نارسایی قوانین موجود مزید بر علت است. به عنوان مثال قانون مجازات اخلاص گران اقتصادی با نقدها و نارسایی‌های متعددی مواجه است. جرم‌انگاری و تعیین مجازات بر اساس ضوابط مبهم و نسبی مهم‌ترین ایراد وارده بر قانون مذکور است. این نحوه قانون‌گذاری برخلاف اصل کیفی بودن قانون می‌باشد و امکان برخورد سلیقه‌ای را نسبت به مرتکبین این جرائم را فراهم می‌کند به ویژه اینکه بر اساس این ضوابط، مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی از خفیف‌ترین مجازات تا شدیدترین

ثابت کردن که می‌توان از آن طریق به کنترل جرائم کمک کرد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۱، ۱۸۱).

آموزش عمومی دربرگیرنده آگاهی دادن به آثار و تبعات منفی جرائم اقتصادی در کلیه بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌باشد و نیز در برگیرنده تفهیم اینکه دامنه و شیوع آن دامنگیر تمام شهروندان یک جامعه خواهد شد می‌گردد و در صورت مشاهده آن نباید بی‌تفاوت بوده بلکه اظهار حساسیت نمایند.

۲-۷ اصلاح نظام پرداخت حقوق کارکنان

دولت

سنگاپور یکی از کشورهای است که در مبارزه با جرائم به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته و تا حد زیادی توانسته است جرائم اقتصادی را کنترل نماید. کارشناسان امر، یکی از علل این موفقیت را حقوق بالایی می‌دانند که کارمندان این کشور دریافت می‌کنند. به طوری که وزرای این کشور بالاترین حقوق را در بین تمام کشورهای جهان دارند و سایر کارمندان نیز، از سطح دستمزد بالایی برخوردار می‌باشند (طالبیان، ۱۳۹۳، ۶۸). بر این اساس، حقوق و مزایا مکفی به کارمندان در کاهش زمینه ارتكاب جرایم اقتصادی تأثیرگذار است.

نتیجه‌گیری

مقاله با جرایم اقتصادی با چالش‌های متعددی مواجه است. از جمله اینکه جرائم اقتصادی پیچیده و فنی است و بدین‌سان مبارزه با آن‌ها دشوار است. از طرفی با توجه به پیچیدگی‌های جرائم اقتصادی

مجازات در نوسان می‌باشد. عدم بازدارندگی مجازات جزای نقدی نیز از دیگر ایرادات وارده بر مجازات‌های مربوط به جرائم اقتصادی از جمله مجازات‌های تعیین شده در قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی است چرا که در فرض عمده یا کلان بودن اخلال، مجازات جزای نقدی ضبط همان اموالی می‌باشد که از طریق خلاف قانون تحصیل شده است. حتی در فرضی که احتمال دستگیری و مجازات، صد در صد باشد صرفاً از حیث توجه به جزای نقدی، ارتکاب بزه به سود مجرم خواهد بود. همچنین نتایج نشان داد به منظور مقابله با چالش‌های فراروی مبارزه با جرایم اقتصادی، اصلاح قوانین، نظارت، رفع تعارض منافع، خصوصی‌سازی و آموزش همگانی، ضروری است.

ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

تقدیر و تشکر

از همه افرادی که در به سامان رسیدن این تحقیق ما را یاری رساندند تشکر می‌کنیم.

سهم نویسندگان

تمامی نویسندگان در تهیه و تدوین پژوهش حاضر به‌طور برابر مشارکت داشته‌اند.

تضاد منافع

در این مقاله منافع وجود ندارد.

منابع

- آقازاده، علیرضا، قاجاق کالا، چاپ اول، تهران، نشر آثار اندیشه، ۱۳۸۵.
- آقایی، مهدی، «نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط با عدالت ترمیمی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره سوم، شماره پانزده، ۱۳۹۴.
- ابراهیمی، شهرام، جرم‌شناسی پیشگیری، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- ابراهیمی، شهرام، صادق نژاد نائینی، مجید، «تحلیل جرم شناختی جرائم اقتصادی»، پژوهش حقوق کیفری، شماره پنجم، ۱۳۹۲.
- احمدی، عبدالله، جرم قاجاق، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- اردشیری، منصور، «خصوصی‌سازی در آموزش عالی»، نشریه مجلس و پژوهش، شماره پنجاه و پنج، ۱۳۸۶.
- الهام، غلام‌حسین، دانش ناری، حمیدرضا، دانش ناری، زهرا، «تحلیل جرم‌شناسانه جرائم مالی کارکنان دولت»، فصلنامه حقوق اداری، شماره دو، ۱۳۹۲.
- بابایی، محمدعلی، نجیبیان، علی، «چالش‌های پیشگیری وضعی جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره هفتاد و پنج، ۱۳۹۰.
- پرهیزگاری، عباس، «راهکارهای مقابله با تعارض منافع»، مجله‌نامه اتاق بازرگانی، دوره هشتاد و هشتم، شماره صد و پانزده، ۱۳۹۷.
- جلیلیان، مهدی، عطازاده، سعید، «تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی»، مجله پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، دوره دهم، شماره یک، ۱۳۹۴.
- جمشیدی، علیرضا، سیاست جنایی مشارکتی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- حسنی، جعفر، مهرا، نسرین، «نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره‌های دو و سه، ۱۳۹۶.
- حسنی، جعفر، مهرا، نسرین، «نقدی بر مفهوم جرم اقتصادی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره‌های دو و سه، ۱۳۹۴.
- داد خدایی، لیلا، مفهوم «جرم اقتصادی و تحولات آن»، فصلنامه حقوق، شماره شش، ۱۳۹۳.
- دوک بچر، ژان، کلوز، نیکلا، «جرم اقتصادی و کنترل آن»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره شصت و دو، ۱۳۸۶.
- ربیعی، علی، زنده‌باد فساد (جامعه‌شناسی فساد در دولت‌های جهان سوم)، چاپ سوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
- رهبر، فرهاد، بازشناسی عارضه فساد مالی، چاپ اول، تهران، انتشارات امور خارجه، ۱۳۸۱.
- زراعت، عباس، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۹.
- زارعیان، حسین، کلانتری، کیومرث، «بررسی اختلاس در شبکه بانکی و ارائه راهکار برای

- پیشگیری و مقابله با آن»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم (علمی-ترویجی)، شماره هشتاد و چهار، ۱۳۹۶.
- ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.
- سمیعی زنوز، حسین، «اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق کیفری ایران»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره یازده، ۱۳۹۵.
- صادق نژاد نائینی، مجید، «تحلیل جرایم شرکتی در پرتو نظام‌های اقتصادی»، دوره هشتاد و یکم، شماره نود و نه، ۱۳۹۶.
- طالبیان، حسین، «نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش قاچاق کالا و ارز»، نشریه کارآگاه، شماره بیست و هفتم، ۱۳۹۳.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، جلد اول، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- فروزنده، دکتر لطف اله، «نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی»، نشریه مجلس و پژوهش، شماره پنجاه دو، ۱۳۸۵.
- محسنی، عباس، اصلانی، رشید، بودجه‌ریزی در ایران، مسئولیت محاسباتی و نظارت‌های مالی و عملیاتی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.
- محمد نسل، غلام‌رضا، مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.
- مصطفی‌پور، منوچهر، «بررسی جرائم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آنها»، مجله اقتصادی شماره‌های سه و چهار، ۱۳۹۵.
- معظمی، شهلا، «پیشگیری جرم‌شناختی»، فصلنامه پژوهشی تحلیلی و آموزشی مجد (حقوقی)، شماره هفده، ۱۳۸۶.
- مهدوی‌پور، اعظم، شهرانی کرانی، نجمه، «نقش مخبران در آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرایم اقتصادی؛ مقتضیات و موانع»، مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره ده، ۱۳۹۴.
- میرسعیدی، سید منصور، زمانی، محمود، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه»، پژوهش حقوق کیفری، شماره چهار، ۱۳۹۲.
- میر محمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، جلد سوم، چاپ سی و دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- نبوی اصل، یوسف، «تحلیل سیاسی جنایی قانونگذار در کنترل جرایم اقتصادی»، مجله مطالعات علوم اجتماعی، دوره هفتم، شماره یک، ۱۴۰۰.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی پیشگیری، دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

- همدمی خطبه سرا، ابوالفضل، فساد مالی (علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن)، چاپ دوم، تهران، نشر مؤسسه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.

منابع لاتین

- Brooks G, *Criminology of Corruption: Theoretical Approaches*, Palgrave Macmillan, 2016.

- Einar D, *The Norwegian government action plan for combating economic crime*, Ministry of Justice and Public Security, 2006.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم (علوم جنایی)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، «از عدالت کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، مجله دانشگاه رضوی، شماره یک، ۱۳۸۶.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، کیفرشناسی نو، جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۸.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، از جرم یقه سفیدی تا جرم اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۱.

- ولیدی، محمد صالح، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.

- ویسه، سید مهدی، شیخ، علی، ولیزاده، وحید، «فهم تعارض منافع و راهکارهای پیشگیری و مدیریت آن»، پنجمین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم انسانی و مدیریت، ۱۳۹۹.

- هدایتی چنانی، رحمان، «بررسی ترفندهای جدید ارتکاب جرایم اقتصادی با رویکرد بر اشخاص حقوقی شرکت‌های خصولتی (به ظاهر خصوصی)»، پژوهش و مطالعات اسلامی، دوره سوم، شماره بیست و دو، ۱۴۰۰.



Challenges to tackling economic crime and solutions

Mehdi Shabani¹, Hassan Haji Tabar^{2*}, Mehdi Esmaili³

1. PhD student in Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Ghaemshahr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 95-116

Article history:

Received: 28 Sep 2020

Edition: 2 Nov 2020

Accepted: 30 Nov 2020

Published online: 21 Dec 2020

Keywords:

Economic Crimes, Ambiguity in Laws, Non-Deterrence of Punishments, Prevention

Corresponding Author: Hassan Haji Tabar

Address: Department of Law, Ghaemshahr Branch, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran.

Orchid Code:

0000-0003-2156-1344

Tel: 09112158173

Email: hajitabar@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Economic crimes are one of the most important issues in the current Iranian society, which has many destructive economic and social effects. Despite various laws and efforts, the fight against this type of crime has not been as effective as it should have been. The present article seeks to examine the important issue of what are the challenges of tackling economic crime and the solutions that can be proposed in this regard.

Materials and Methods: This is a descriptive-analytical article using the library method to investigate the question.

Ethical considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: Uncertain definition and complex nature of economic crimes, difficulty in detecting economic crimes, multiple legislative authorities, multiple authorities dealing with economic crimes, use of neutralization techniques by economic criminals, economic crimes committed by legal entities, ambiguity in legislation and lack of restraint. The most important challenges are dealing with economic crimes.

Conclusion: Law reform, organizational oversight of financial activities, prevention through reform of inefficient and ambiguous laws, as well as situational prevention including conflict of interest resolution, banking system supervision, reducing the role of government in the field of entrepreneurship and social prevention including public education and public participation. In reporting economic crimes, the most important strategies are to deal with economic crimes.

Cite this article as:

Shabani M, Haji Tabar H, Esmaili M. Challenges to tackling economic crime and solutions. *Economic Jurisprudence Studies*. 2020; 2(4): 95-116.